

رویکرد آینده پژوهی و نقش و اهداف آن در برنامه درسی تعلیم و تربیت نوین

رضا خلیفه^۱، مصطفی خلیفه^۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر، معرفی رویکرد آینده پژوهی در برنامه درسی و اهداف و نقش آن برای مدیران و معلمان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت می باشد. به دلیل سیاست گزارای و برنامه ریزی های آینده نگرانه در آموزش و پرورش با در نظر گرفتن ابعاد مختلف تربیت و همچنین پیش بینی هوشمندانه مسائل و چالش ها و تهدیدات پیش رو، امری ضروری است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و از مطالعات و تحقیقات پیشین صاحب نظران و پژوهشگران استفاده شده است و نگارندگان توانسته اند به نظرات و مطالب جدیدتری دست یابند و نتایج بدست آمده عبارتند از: آینده پژوهی رویکردی است که در برنامه ریزی درسی تعلیم و تربیت نوین لازم و ضروری می باشد و باید نگرش معلمان، مدیران و حتی دانش آموزان در دوره های تحصیلی و والدین نسبت به تحولات در آینده عوض شود و برنامه درسی و مطالب را طوری تدوین نمایند که دانش آموزان با تفکر خلاق به بار آیند و پیش بینی های لازم را برای تغییر در آینده مهیا نمایند و پژوهش محورانه جهت رفع مشکلات آینده عمل نمایند و آینده پژوهی جزء لاینفک برنامه های اجرایی مدارس باشد.

کلید واژه ها: آینده پژوهی، برنامه درسی، تعلیم و تربیت.

^۱. دبیر آموزش و پرورش شهرستان مرودشت، ایران، نویسنده مسئول، reza.khalifeh9292@gmail.com

^۲. دبیر آموزش و پرورش شهرستان مرودشت، ایران.

دریافت: ۹۷/۱۰/۳ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

مقدمه

نظام آموزشی ما، از تصور ما نسبت به آینده مایه می‌گیرد. از این رو اگر تصور ما از آینده جامعه با واقعیت موجود آن منطبق نباشد، نظام آموزشی آن جامعه سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. نظام های آموزشی بالنده از سرعت تغییرات و تحولاتی که جهان را دگرگون می‌کند به خوبی آگاهند. باید گفت آموزش و پرورش مشخص مسیر انسان ها به سوی توسعه و تعالی است و با توجه به این تغییرات و تحولات و بهره گرفتن منطقی از امکانات و انتخاب نزدیک ترین راه می‌توان این مسیر را به درستی تبیین نمود. توجه به آینده پژوهی و نگاه آینده نگرانه در سازمان های آموزشی آهنگ تحول و ماندگاری آنهاست. آینده بر ما می‌تازد، پس باید برای رویارویی با آن آماده بود و در زمانه پر آشوب و سرشار از تغییر و تحول، تنها با مسلح شدن به روش شناسی آینده است که آموزش و پرورش می‌تواند با بازبینی مقوله یادگیری، خونی تازه در رگ های خود جاری کند. (تافلر، ۱۳۷۷). آموزش و پرورش ایران برای اصلاح ساختار خود با چالش هایی همچون به روز نبودن روش تدریس ها، کمبود اعتبارات و فضاهای آموزشی و دیوارکشی بین بعد پرورشی و بعد آموزشی و ضعف در فراهم کردن مدیریت آموزشی کارآمد و متخصص و ناتوانی در بکارگیری فناوری های اطلاعات و روش های جدید و... مواجه می‌باشد، بنابراین آینده نگری و آینده شناسی می‌تواند در برنامه ریزی های مختلف آموزش و پرورش به ویژه برنامه درسی برای مقابله با تهدیدات و نگرانی های تربیتی آینده پیشگیرانه عمل نماید، مشروط بر آن که مسئولان با هوشمندی، علمی و عاقلانه و در نظر گرفتن تمامی جوانب و نیازها دست بکار شوند و در رفع مسایل و مشکلات، گام موثر بردارند تا در آینده نه چندان دور بر مشکلات فائق شوند. امروزه ماموریت و تلاش عمده برنامه ریزی در کشورهای توسعه یافته، علاوه بر توجه جدی به چالش های کنونی و ارائه رهیافت هایی مقطعی، تفکر در خصوص چالش های آینده و نحوه ی مواجهه و قدرت یابی در آن عرصه هاست. برنامه ریزی هم اکنون با ارتقاء نقش خود را به دنبال تسخیر آینده با اندیشه های ایفای نقش جدی و سهم خواهی در آن است (بنی سی، ۱۳۸۷).

متأسفانه امروزه در نظام آموزشی، به نظر می‌رسد که خیلی زیاد از مدیران و معلمان که مجریان اصلی برنامه درسی هستند با رویکرد آینده پژوهی بیگانه هستند و حتی از اهداف و مفاهیم آن اطلاعی ندارند تا چه رسد به اینکه بتوانند در اجرای آن عمل نمایند. هدف مقاله بر آن است که اهداف و نقش و اهمیت رویکرد جدید برنامه درسی آینده نگرانه را در دوره های تحصیلی آموزشی و پرورشی برای مدیران سطوح مختلف و معلمان معرفی نماید تا گام های موثرتری در جهت اجرای آن در نظام آموزشی برداشته شود و بدانند که امروزه آینده نگری به یک نیاز اساسی و استراتژیک تبدیل شده است. در دنیایی که سرعت غیر قابل مهار تحولات در عرصه های مختلف پیش بینی آینده را امری ضروری و در عین حال بسیار تخصصی و پیچیده تبدیل کرده و انسان چاره ای جز گمانه زنی جهت تحولات آینده و جستجوی

راه های انطباق و سازگاری خود با آن ها را نخواهد داشت و در این راستا، ابزارهایی چون رسانه های جمعی و نهادهایی چون تعلیم و تربیت قدرت مواجهه و سازگاری انسان را با تغییرات پی در پی آینده افزایش می دهند.

آینده پژوهی در برنامه درسی تعلیم و تربیت می تواند در آمادگی و مجهز شدن دست اندرکاران به ویژه مدیران، معلمین و دانش آموزان و دانشجویان در برابر آینده، کسب نمای کلی از آینده های در حال ظهور و درک زود هنگام خطرات و هشدارها و کسب موفقیت و برتری در رقابت های جهانی و مهم تر از همه ی عوامل ذکر شده، سازگاری با تغییرات و کسب موقعیت در قلب روندها و مسیر تغییرات و کسب ایده درباره برنامه ریزی انواع سرمایه گذاری ها (اطلاعاتی، نیروی انسانی و تکنولوژی آموزشی و بودجه آموزشی) برای بدست آوردن منافع موجود و رسیدن به قابلیت های شایسته افراد یک جامعه در جهت یک زندگی سالم می باشد.

پیشینه تحقیق

مرادی و همکارانش (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان "ضرورت آینده پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش" نتیجه گرفته اند از آنجا که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می یابد، می بایست با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود تا برنامه درسی با غنای کامل و عملی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی پرشتاب آینده پاسخ دهد و آینده پژوهی در برنامه درسی با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک ضرورت است.

کاظمی نجف آبادی (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان "آینده پژوهی و تغییر در برنامه درسی" نتیجه می گیرد که رابطه معناداری بین آینده پژوهی و تغییر در برنامه درسی وجود دارد و افزایش آگاهی معلمان و مدیران در برنامه درسی می تواند در نوآوری برنامه ها در آینده موثر افتد و پیشنهاد می کند معلمان با ثبت تجربه های بدست آمده در خصوص تغییر برنامه درسی و تاثیر آن بر دانش آموزان در آینده نزدیک برای بهبود وضعیت آموزشی برنامه درسی کمک گیرند.

صادق و همکارانش (۱۳۹۲) در مقاله ی "تغییر در برنامه های درسی بر مبنای آینده پژوهی" آینده پژوهی را در برنامه ی درسی ضروری تلقی می کنند و تغییرات اصولی بر اساس تصویر کلی از آینده را در برنامه درسی آموزش و پرورش می دانند.

قره خانی و معصومیان (۱۳۹۲) در مقاله ی "آینده پژوهی راهبردی برای توسعه برنامه درسی" نتیجه گرفتند که ساختار موجود برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران با برنامه های درسی سایر نظام های آموزشی مطابقت ندارد و باید با دانش آینده پژوهی و آینده نگری تغییرات اساسی در جهت توسعه برنامه درسی دوره ابتدایی اقدام نمود.

سراج (۲۰۰۷) در تحقیقات خود آینده پژوهی را در توسعه برنامه های درسی و سیاست های آموزشی کشورها را مهم و حیاتی تلقی می کند و آن را چارچوبی برای تدوین برنامه های درسی و برنامه های راهبردی می داند.

سلطانی (۱۳۹۳) در مقاله ی تحت عنوان "جهت گیری های دورنگر در برنامه درسی" نشان داده اند که می توان درباره ی همه جنبه های مدرسه و برنامه های درسی آن، آینده نگری کرد و اذعان می دارد که در آینده آموزش و پرورش از چارچوب آموزش های رسمی و مدرسه ای به آموزش های غیر رسمی و نیمه رسمی، آموزش در محیط زندگی و آموزش در طول عمر اشاعه می یابد و تغییرات بنیادی در زیر بنای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه انجام می گیرد و تغییرات در فضاهای آموزشی، تغییرات در سطوح آموزش و پرورش و تکنیک های یادگیری اتفاق خواهد افتاد.

عراقیه و همکارانش (۱۳۹۷) در مقاله ی "تبیین آینده پژوهی در ارتقاء برنامه های درسی" نتیجه گرفته اند که پیوندی میان آینده پژوهی و برنامه درسی وجود دارد و لازمه آن قیام به عمل است و جایگاه آینده پژوهی در برنامه درس آموزش و پرورش باید مورد تحلیل قرار گیرد. کشاورزی و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله شان "محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران" نتیجه گرفتند که چون آموزش عالی با عواملی مانند کاهش کیفیت آموزش و عدم تناسب با نیازها روبروست، در پاسخ با این چالش ها، آموزش عالی برای ارتقاء کیفیت فرصت های یادگیری باید در محتوای برنامه های درسی آینده جهت گیری نوینی را دنبال کند و مبتنی بر آینده پژوهی باشد.

کوپر (۲۰۰۵) در تحقیقات خود نشان می دهد که برنامه درسی موجود در دانشگاه ها ناتوان از مجهز نمودن دانشجویان به مهارت های مورد نیاز جهت زندگی و کار در دنیای آینده می باشد.

آنچه از نظرات و تحقیقات پیشین استنباط می شود آینده پژوهی را راهبرد اساسی در توسعه برنامه درسی می دانند و تغییرات جدی در آن بر مبنای آینده پژوهی را یک ضرورت تلقی می نمایند و توانسته اند نقش رویکرد آینده پژوهی را در برنامه های درسی تعلیم و تربیت نوین را تفسیر و موشکافی نمایند.

روش مطالعه

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی از منابع گوناگون مانند: کتاب ها، مقالات و مجلات شامل نظر و دیدگاه های پژوهشگران و اساتید و صاحب نظران می باشد، تهیه شده و نگارندگان توانسته اند از دل اطلاعات و نظریه ها و تحقیقات پیشین و اطلاعات، نظرات و مطالب جدیدتری را استخراج نمایند.

یافته ها

۱-۱- **تعریف آینده پژوهی:** دانشی معرفتی است که چشم مردم را نسبت به رویدادهای فرصت ها و مخاطبان احتمالی آینده، باز نگه می دارد (صادق و دیگران، ۱۳۹۲). آینده پژوهی در واقع دانش شکل بخشیدن به آینده، متناسب با امیال و آرمان های فردی و سازمانی است و همچنین مشتمل بر مجموعه تلاش ها و استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات به تجسم آینده های بالقوه و برنامه ریزی برای آن می پردازد (عراقیه و همکارانش، ۱۳۹۷). کار آینده پژوه این است که با اتکاء به توانایی های علمی و شهودی خود از بین گزینه های بسیار آینده یکی را برگزیند و از طریق روش های علمی متفاوت که روز به روز بر تعداد و تنوع آن ها افزوده می شود، یک آینده محتمل را تخمین بزند (همان منبع). آینده پژوهی دانشی است که تلاش می کند با پیش بینی عوامل موثر در تحولات آینده با علم و آگاهی، مهارت تغییرات را در دست گرفته و جامعه را برای تغییر و تحولات آماده کند (موسسه راهبرد ملی، ۱۳۹۶). آینده پژوهی، رشته ای است مستقل که به شکلی روشن و هدفمند به مطالعه آزاد می پردازد و تصاویری از آینده را در اختیار ما قرار می دهد تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به صورت کارآمدتری تصمیم گیری نماییم (مرادی برزل آبادی، ۱۳۹۲). گرچه اتفاق نظری در خصوص مفهوم آینده پژوهی وجود ندارد، ولی برای آن معادل های مختلفی مانند آینده اندیشی، آینده شناسی، آینده نگاری و مطالعات آینده در زبان فارسی تعاریف متعدد به وجود آمده است.

۲-۲- **اهداف آینده نگری (آینده پژوهی) در تعلیم و تربیت:** بازنگری در هدف های تعلیم و تربیت و نحوه ی برنامه ریزی درسی در آینده خواهد بود. برای مثال، مشاغل و مسائل انسانی جدیدی در سطح جهانی مطرح خواهند شد که تعلیم و تربیت نیز با آن ها همراهی خواهد کرد. برنامه درسی مدارس در آینده بطور وسیعی بر اساس بازبینی مداوم و انجام اصلاحاتی در محتوا تدوین خواهد شد. مثلاً بسیاری از شاگردان متوسطه، مشاغل میان پیشه ای خواهند داشت که هنوز به فکر کسی نرسیده است. تغییرات جمعیتی، ماشینی شدن توسعه وسایل حمل و نقل، وابستگی مشاغل و مردم در سرتاسر جهان به هم، انقلاب بیولوژیکی و روابط انسانی متفاوت با آنچه اکنون موجود است، همه و همه جایگاه ویژه ای در برنامه درسی خواهند داشت. بطور کلی، یادگیری های لازم برای مواجهه با تغییرات آینده فراتر از یادگیری دانش محور در مدارس سنتی هستند. در پی یک دستور کار "کمسیون بین المللی آموزش در قرن بیست و یکم" یونسکو، چارچوب تحولات آموزشی برای محیط آینده را پیشنهاد کرد. این چارچوب بستر مناسبی برای بحث در باره ی برقراری ارتباط بین "فناوری اطلاعات و ارتباطات" و یادگیری است. ایده اصلی آن مبتنی بر چارچوبی برای یادگیری شامل چهار محور و رکن اساسی است. ۱- یادگیری برای یاد گرفتن؛ ۲- یادگیری برای عمل کردن؛ ۳- یادگیری برای زندگی در کنار هم و با هم؛ ۴- یادگیری برای بودن. چهار محور یاد شده شکلی جدید و متفاوت را بین دانستن و دیگر انواع یادگیری برقرار می کند. در آموزش های آینده، یادگیری ابعاد مختلفی از زندگی خارج از مدرسه را نیز در بر

خواهد داشت. پاره ای از تغییرات دیگر در آینده ی برنامه درسی عبارتند از: تغییر نوع ارتباط با دانش آموز، تغییر نقش معلم به عنوان تسهیل کننده، مدیر و پشتیبان یادگیری، تغییر محتوا و فرصت های آموزشی، تغییر کانون و تمرکز کنترل از معلم به فراگیرنده (سلطانی، ۱۳۹۲). هدف دیگر آینده پژوهی در تعلیم و تربیت کمک به جوانان امروز است تا با بحران هایی که با آن ها مواجه خواهند شد کنار بیایند و از فرصت هایی که در یک دنیای متغیر به وجود خواهد آمد به نحو بهینه بهره برداری نمایند. بردین، برای حفظ مدارس در جریان زندگی، مریمان را به استفاده از آینده گرایی (طرح ریزی هوشمندانه و خیالی پدیده ها و شرایطی که در شرف وقوع است) تشویق می کند (سیلور و همکاران، ۱۳۸۰).

۲-۲- ضرورت آینده پژوهی در برنامه درسی تعلیم و تربیت ایران

از منظر برنامه درسی، چالش هایی همچون ضعیف شدن سهم برنامه درسی رسمی در یادگیری و کم توجهی روز افزون به آن، برآورده نشدن نیازها و علایق دانش آموزان، تربیت یک بعدی (به جای دیدن تمام جوانب تربیتی)، عدم موفقیت دانش آموزان در اجتماع و بازار کار آینده و ناتوانی در حل مسائل، بحران هویت، چندفرهنگی و کم رنگ شدن فرهنگ بومی و ملی، پایین بودن سطح مشارکت در تدوین برنامه های درسی و انعطاف ناپذیری نظام برنامه ریزی درسی ایران و به روز نبودن راهبردهای یاددهی- یادگیری و ضعف در اجرای صحیح برنامه های درسی و محوریت یادگیری حافظه محوری و موقتی و بی سواد بار آمدن دانش آموزان و مسائلی از این قبیل در پیش روی آموزش و پرورش دوره متوسطه خواهد بود و چون برنامه درسی بیشترین نقش را در نظام آموزشی و به نوعی در خط مشی دهی به کلاس درسی داشته و به نوعی به دیگر عناصر نظام آموزشی نیز جهت دهی می نماید، توجه به این مسایل در برنامه های آینده نظام آموزش متوسطه ضرورتی انکارناپذیر است (مظاهری، ۱۳۹۶).

۳-۱- عناصر تاثیرگذار در برنامه درسی از منظر آینده پژوهی (از نظر مظاهری، ۱۳۹۶):

۱- **جامعه و فرهنگ:** پدیده های جدیدی مانند چند فرهنگی، دوگانگی بین مدرسه و اجتماع جهانی شدن، انحطاط اخلاقی، اشاعه دموکراسی، انفجار دانش و گسترش فناوری و اطلاعات و ارتباطات است. یکی از کلیدی ترین پدیده های موثر بر آینده تعلیم و تربیت، پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات است که پدیده تمدن ساز یاد شده است.

۲- **برنامه درسی:** چون برنامه درسی در نظام آموزشی، دیگر عناصر آموزشی را جهت دهی می نماید و با توجه به این که مسئله برنامه درسی را از بعد رقابتی در دنیا مطرح می کند و مشکلی که در برنامه درسی مدرسه و دانشگاه وجود دارد مانند حجم زیاد مطالب درسی و

فاقد بودن در زمینه ارائه ی افق فکری به دانش آموزان و نداشتن محتوای غنی و روزآمد باعث شده است نظام آموزشی، با نظام های آموزشی دیگر کشورها نتواند رقابت کند.

۳- مدرسه: ضعف در آموزش های پایه عمومی و تفاوت دبیرستان و دبستان در تاثیرپذیری و نقش خانواده، هدایت تحصیلی، علائق و گرایش دانش آموزان و نیاز جامعه و ضعف در مهارت های ارتباطی فارغ التحصیلان و پدیده های فرار مغزها و اتلاف مغزها و فارغ التحصیلان کم سواد از جمله مسئله های اصلی موثر بر مدارس آینده و چالش های پیش روی آن هاست که در آموزش و پرورش دوره متوسطه بسیار تاثیرگذار خواهند بود.

۴- جایگاه معلم: نقش معلم در نظام آموزشی و ضرورت به روز بودن دانش و ضرورت مشارکت معلم در برنامه ریزی درسی مناسب و هماهنگ با نیازهای دانش آموزان و واقعیت های اجرا، از مسئله های پیش روی این حوزه است.

۵- ارزشیابی و پژوهش: تمام مولفه های نظام آموزشی از جمله برنامه درسی، فرایند یاددهی-یادگیری و غیره با تحقیق ارتباط دارد و گاهی نتایج ارزشیابی محصولی برای تدوین برنامه درسی خواهد شد. بنابراین طبق اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش، حوزه پژوهش و ارزشیابی باید مسئله ها، تهدیدات و فرصت های پیش رو نظام تربیتی را شناسایی کند و در اختیار متولیان حوزه های آموزش و پرورش جهت تصمیم گیری و برنامه ریزی بهتر و آینده نگر تر قرار دهند.

۶- یادگیرنده: فاضلی (۱۳۹۰) با نگاهی آینده نگر معتقد است همان طور که ظهور فناوری های نوین مانند اینترنت، موبایل و ماهواره توانسته اند سرنوشت زندگی انسان را دگرگون کنند، دز آینده ممکن است ظهور فناوری "مابعد نوین" همه چیز را برای چندمین بار زیر و رو سازد و هر لحظه سرنوشت ما را متاثر سازند. بنابراین، برنامه ریزی آینده نگرا نه را می طلبد تا با بازنگری جدی در نظام آموزشی موجود برای برآورده نمودن نیازهای یادگیرندگان و جلب توجه و جذب آن ها، گام موثری را بردارند. چرا که همه عوامل فعال در تعلیم و تربیت نقطه هدفشان یادگیرنده است، از طرفی یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای بودن و یادگیری برای با هم زیستن در دنیای امروز بسیار مهم است. بنابراین، آماده سازی و تربیت فراگیران به ویژه دوره ابتدایی و دبیرستان برای ورود به زندگی آینده اهمیت وافری دارد. هدف های دیگر آینده نگری عبارتند از: آماده بودن خود و دیگران در برابر آینده، کسب نمای کلی از آینده در حال ظهور، دریافت و درک زود هنگام هشدارها، کسب اعتماد به نفس، کسب موفقیت برتر در رقابت ها، ایجاد تعادل بین اهداف مختلف، کسب اطلاعات درباره نیروهای موثر و سازگاری با تغییرات می باشد (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵).

اهداف آینده پژوهی در برنامه درسی

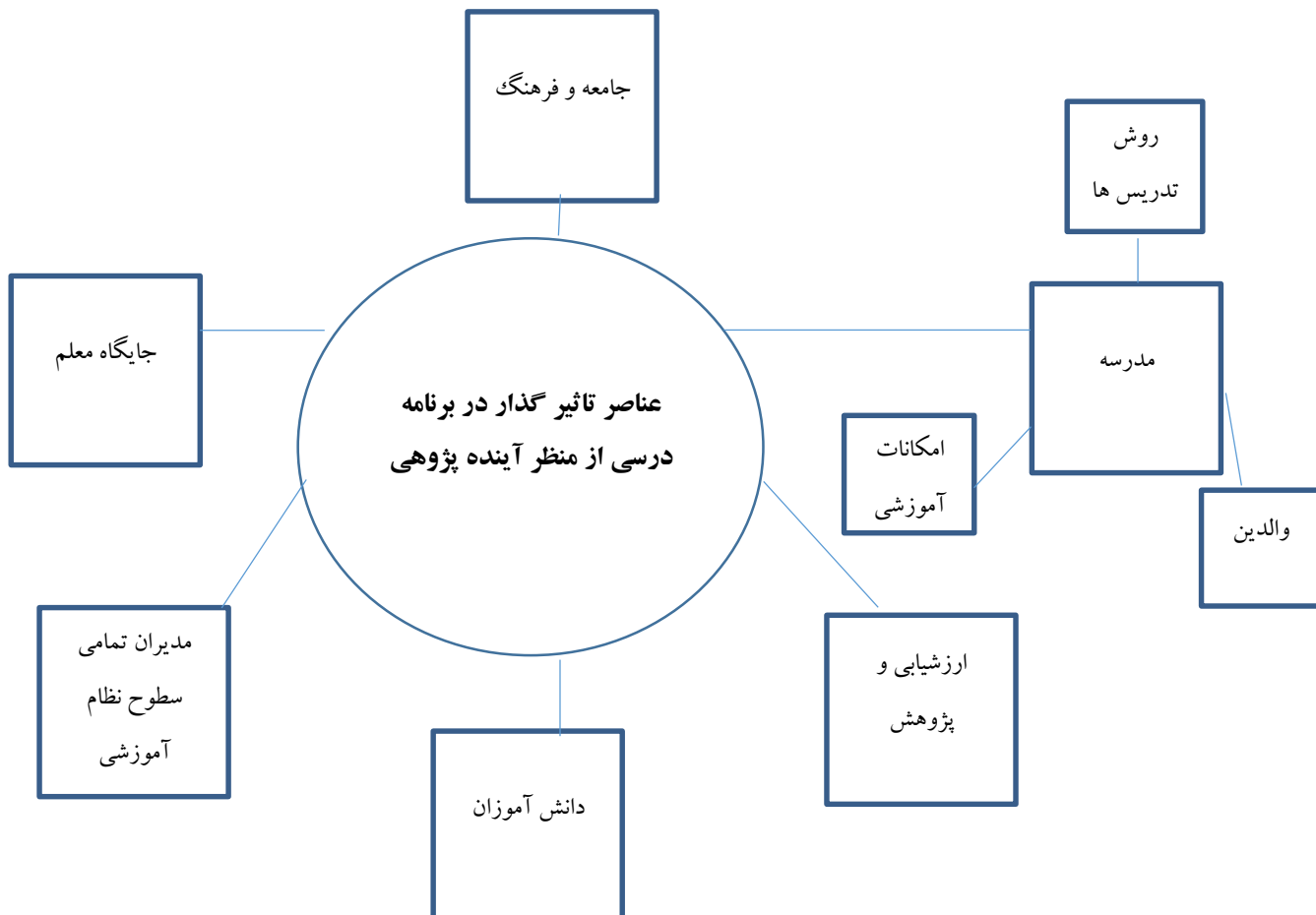
تغییر نقش معلم
به عنوان تسهیل
کننده

تغییر نوع ارتباط
با دانش آموز

تغییر محتوا و
فرصت های
آموزشی

تغییر کانون و
تمرکز، کنتری از
معلم به فراگیرنده

مدیر و پشتیبان
یادگیری



نتیجه گیری

جهان پیچیده امروز، آموزش و پرورش را طلب می کند که بتواند متناسب و منعطف با این پیچیدگی، پاسخگوی نیازهای جامعه باشد، از آنجایی که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می یابد، می باید با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود که برنامه درسی با غنای کامل و علمی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی های پرشتاب آینده پاسخ دهد. برای دستیابی به این هدف، باید قبل از اقدام به انجام کار، تلاش با برنامه ریزی کافی انجام بگیرد و ضرورت برنامه ریزی به ویژه در فعالیت های یاددهی-یادگیری برای رسیدن به جزئی ترین اهداف یک واقعیت انکارناپذیر است (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۲).

شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده تعلیم و تربیت، نیاز اساسی مدیران تمامی سطوح آموزش و پرورش و برنامه ریزان و معلمان می باشد که از طریق مطالعات آینده پژوهی پاسخ داده می شود، در برنامه درسی آموزش و پرورش، یک ضرورت قطعی است که نگرش خلاقانه به آینده پژوهی داشته باشند که این رویکرد نوآورانه می تواند از دل تغییرات امروز، واقعیت های فردا را کشف نماید.

برنامه های درسی آینده محور با توجه به سند تحول بنیادین برنامه های درسی باید مبتنی بر اصول، مبانی، و ارزش های اسلامی و دینی، یافته های معتبر علمی و پژوهشی باشد و برنامه های منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط آفرین، پویا و انعطاف پذیر و مبتنی بر فناوری های اطلاعات و ارتباطات که به عنوان یک منبع راهبردی، نقش به سزایی در تحول و تعالی آموزش و پرورش دارد، مد نظر قرار بگیرد. هدف آینده نگری در تعلیم و تربیت کمک به تعلیم و تربیت است تا بحران های احتمالی را پیش بینی کند و بر آن مبنای سعی شود طرح ریزی هوشمندانه تری در برنامه درسی انجام شود.

با توجه به یافته های صاحب نظران؛ اهداف زیر به برنامه ریزی درسی مدارس پیشنهاد می گردد. هدف اول، همگامی و پیوند دانش و تکنولوژی با آموزش و پرورش با توجه به ارتباط میان علم و تکنولوژی و آموزش و پرورش، به نظر می رسد که یکی از چالشهای در زمان حال و آینده، حفظ فاصله معقول و منطقی بین علم روز و آنچه در مدارس و موسسات آموزشی تدوین می شود، خواهد بود. هدف دوم، تعمیم و تسهیل تعلیم و تربیت به کمک فناوری اطلاعات که می توان ارتباط دو جانبه را متصور شد. از یک طرف تکنولوژی اطلاعات به کمک روش ها و امکانات جدید می تواند مشکلات حال و آینده آموزش و پرورش را برطرف نماید و از طرف دیگر تعلیم و تربیت می تواند در آموزش و انتقال مهارت های مورد نیاز و کاربرد تکنولوژی نقش به سزایی داشته باشد مانند ایجاد مهارت تفکر خلاق و انتقادی و استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش. هدف سوم، ایجاد بینش جهانی از طریق تعلیم و تربیت قرن ۲۱ تحولی شگرف از ناحیه فرایند جهانی شدن می آید و عصر جهانی شدن با اثرات عمیق بر الگوی ارتباطی مجامع خواهد گذاشت. در این دوران آن کشورهایی که خردمندان به فرایند جهانی شدن توجه دارند، خواهند توانست با صلح و بهره وری از فرصت ها از طریق هم زیستی، جامعه بین المللی برای

خودشان تامین کنند. بنابراین قرن ۲۱ باید بینش و بصیرتی را داشته باشد که ضمن حفظ ارزش های محلی و ملی، ظرفیت امواج جهانی و تعامل با فرهنگ های گوناگون را داشته باشد. در این راستا، ایجاد بینش و نگرش جهانی در ذهن دانش آموز از طریق برنامه درسی اثربخش و کارآمد می تواند در دستور کار آموزش و پرورش باشد. هدف چهارم، آموزش و پرورش به مثابه یک نهاد فرهنگ ساز، باید مقدمات اشاعه دموکراسی را از طریق اصلاح رابطه معلم و شاگرد در راه نیل به دموکراسی و توجه به مشارکت همگانی در فرایند تصمیم گیری، فراهم سازد. بکارگیری روش های گروه و مشارکتی در امر آموزش دانش آموزان از دوره پیش دبستانی، دبستان و دبیرستان برای تحقق این هدف ضرورت دارد. هدف پنجم، برنامه ریزی تعلیم و تربیت باید با رویکرد تفکر خلاق دانش آموزان توجه جدی نماید که لازمه ی آن دوری از حافظه محوری و رفتن به سوی دانش آموز محوری است. هدف ششم، انطباق و همسویی برنامه درسی با برنامه های غیر درسی (غیر رسمی). توجه به مشارکت همگانی در فرایند تصمیم گیری های نظام آموزشی از مدیران وزارتی که در سطح کلان و سطح میانی و مدیران سطح خرد و معلمان و حتی مشارکت والدین که می توان آن ها را جزوی از خانواده نظام آموزشی قلمداد نمود و همچنین عنایت به فعالیت ها و مراکز غیر رسمی مانند کانون های فرهنگی و هنری، پژوهشکده ها و کتاب خانه ها می تواند دانش آموزان را تقویت نماید و برای تغییر و تحولات آموزشی و فکری در آینده نه چندان دور و برای حل مساله و گذر از چالش های آینده خود بتوانند محیا سازند.

پیشهادات

- ۱- مطالعات آینده پژوهی باید از نیازسنجی آموزش و تربیت جامعه را در نظر بگیرد.
- ۲- مطالعات آینده پژوهی می بایست با تامین نیروی انسانی متخصص و متعهد در تعلیم و تربیت آینده کشور همگام باشد.
- ۳- مطالعات آینده پژوهی با در نظر گرفتن واقعیت ها و تجارب حال، در سطح کلان به تعیین اهداف و سیاست و طرح ریزی برنامه درسی و آموزشی که وابسته به چشم انداز آینده باشد، می بایست اقدامات موثر و کارآمد انجام دهد.
- ۴- فرصت ها و تهدیدات آینده در برنامه درسی بایستی شناسایی و در جهت بهبود برنامه درسی راهکارهایی انجام بگیرد.
- ۵- تشکیل کلاس های ضمن خدمت برای تمامی فرهنگیان جهت آشنایی با رویکرد آینده پژوهی و تاثیر آن در روش تدریس ها و اجرای برنامه ها

منابع فارسی

- بنی سی، پری ناز. (۱۳۸۷). تغییر، نوآوری، اصلاحات و آینده پژوهی در برنامه ریزی درسی، تهران: نشر امیر
- تافلر، آلوین. (۱۳۷۷). آموختن برای فردا. ترجمه بابک پاکزاد-تهران: نشر بینا
- سلطانی، فاطمه. (۱۳۹۲). جهت گیری های دورنگر در برنامه درسی، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۲۹، شماره ۷، صص ۲۶-۲۹
- سیلور، جی گالن و همکاران. (۱۳۸۰). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه خوی نژاد-تهران: سمت
- عراقیه، علیرضا و رقیه باقرنژاد. (۱۳۹۷). "تبیین آینده پژوهی در ارتقاء برنامه درسی". دومین کنفرانس بین المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، شرکت بین المللی کوش.
- قره خانی، احمد و معصومه معصومیان. (۱۳۹۲). "آینده پژوهی دوره ابتدایی برنامه درسی". همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره های تحصیلی آموزش و پرورش.
- فاضلی، نعمت اله. (۱۳۹۰). مردم نگاری آموزش و چند مطالعه مردم نگاری در زمینه آموزش و پرورش امروز ایران. - تهران: نشر علم.
- صادق، رسول و همکاران. (۱۳۹۲). "تغییر در برنامه های درسی بر مبنای آینده پژوهی". همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره های تحصیلی آموزش و پرورش.
- کاظمی نجف آبادی، عفت. (۱۳۹۲). "آینده پژوهی و تغییر در برنامه درسی"، همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و انجمن برنامه درسی ایران. دانشگاه بیرجند.
- کشاورزی، مهدی؛ یارمحمدیان، حسین و محمدعلی نادری. (۱۳۹۶). "محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران". دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۳۸
- مرادی بزل آبادی، رقیه و عظیم اکبر رستم آبادی. (۱۳۹۲). "ضرورت آینده پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش". همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و انجمن برنامه درسی ایران. دانشگاه بیرجند.
- ملکی فر، عقیل و همکاران. (۱۳۸۵). علم و هنر کشف آینده و شکل بخیدن به دنیای مطلوب فردا. اندیشکده صنعت و فناوری، ویراست اول، نشر موسسه فرهنگی، انتشارات کرانه علم.
- مظاهری، حسن. (۱۳۹۶). آموزش و پرورش دوره متوسطه از منظر آینده پژوهی، مجله علم و هنر یاددهی و یادگیری، صص ۱۳۴-۱۴۱.

- موسسه راهبرد ملی (۱۳۹۶). فرهنگی-اجتماعی قابل دسترسی در سایت www.national strategy.ir

-Cooper,JH.(۲۰۰۵).*A training program based on the principles of social constructivism and focused on developing people for the future world*.degree mastered in the faculty of economic and business sciences at the university of preloria.

-Siraj.S.(۲۰۰۷).*Future state curriculum planning:Prospect and Challenges*.Pangkep province,South of Sulanesi,Indonesia.